

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات

عنوان:

بررسی نقش های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس

پژوهشگر:

دلارام مهدوی

در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۶ توسط کمیته تخصصی و هیأت داوران زیر، مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ی و درجه ی به تصویب رسید.

امضاء	مرتبه ی علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	دانشیار	دکتر سید احمد پارسا	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر صالح ادیبی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر جمال احمدی	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر پارسا یعقوبی	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

مهر و امضاء گروه



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:
بررسی نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس

پژوهشگر:
دلارام مهدوی

استاد راهنما:
دکتر سید احمد پارسا

- استاد مشاور:
دکتر صالح ادیبی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات
خرداد ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان‌نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهدنامه

اینجانب دلارام مهدوی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه‌ی تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه‌ی تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

دلارام مهدوی

۸۹/۳/۱۶

قدم

رروما بام واره ول ل وق وپایم ودهار

ووام

شادی مام شادی می زرم ات.

پاس و رودان

ا دندخا و ادب ات و صت آن ن و

پاس راورنان را و عاوقی دش آید و زبانی ش، و

و ان با قلم و زبانی قاتا و شادی را ما جای آورد؛ یک رم دل شید.

س طدل پاس و دراز را مان می دوزای اتا اما ناب آ می درپارسا و

ن از زمت او ان اتا شاورم ناب آ می در ادی، شایان پیمان

و کلام بار آ از دل آید دل .

ن اجام ان و ش و ه از یاری خاواده و دو تن م وده ام و از ان

آ ن نریاس زارم.

چکیده

مطالعات رده‌شناسی زبان، حاکی از آن است که میان مقوله‌های نحوی و معنایی - منظوری رابطه‌ای مستقیم وجود ندارد. بخشی از دشواری‌های مفاهیم ادبی نیز در گرو عدم اطلاع از معانی ثانوی مقوله‌های معنایی - منظوری جملات است. هدف پژوهش حاضر، بررسی جنبه‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس است. روش پژوهش توصیفی است و داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، به روش کتاب‌خانه‌ای و سندکاوی بررسی شده‌است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، ۳۲۲۹ غزل و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۲۶۴ غزل می‌باشد. نتیجه نشان می‌دهد که مولانا از ۳۵ کارکرد ثانوی مورد نظر در این پژوهش، از ۲۷ کارکرد استفاده کرده است. هرچند تحلیل‌های آماری نشان دهنده‌ی این است که پر بسامدترین کارکردهای ثانوی به ترتیب، تعجب، نهی، استفهام انکاری، ملامت، نفی و استفهام تقریری است که به کارگیری یا عدم به کارگیری برخی از کارکردها به گونه‌ای به هماهنگی یا عدم هماهنگی آنها با جهان‌بینی مولانا بستگی دارد که در پایان‌نامه به صورت مشروح بررسی شده‌است. واژگان کلیدی: مولوی، غزلیات شمس، جملات پرسشی، نقش‌های معنایی - منظوری

- فصل اول: کلیات	
۲ ۱-۱- مقدمه
۲ ۲-۱- بیان مسأله
۳ ۳-۱- اغراض ثانوی جملات
۴ ۴-۱- اهداف و سؤالات تحقیق
۴ ۴-۱-۱- اهداف
۴ ۴-۱-۱-۱- اهداف نظری
۵ ۴-۱-۲- اهداف کاربردی
۵ ۴-۲- سؤالات تحقیق
۵ ۵-۱- ضرورت یا اهمیت پژوهش
۶ ۶-۱- محدودیت تحقیق
۶ ۷-۱- فصول تحقیق
۷ - فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش
۸ ۲-۱- سیر بلاغت در زبان عربی
۱۶ ۲-۲- سیر بلاغت در زبان فارسی
۱۸ ۲-۳- معانی ثانوی جملات پرسشی در کتب بلاغی عربی
۱۸ ۲-۳-۱- ابن قتیبه
۱۸ ۲-۳-۲- ابن وهب
۱۸ ۲-۳-۳- باقلانی
۱۸ ۲-۳-۴- عبدالقاهر جرجانی
۱۸ ۲-۳-۵- جارالله زمخشری
۱۸ ۲-۳-۶- سکاکی
۱۸ ۲-۳-۷- خطیب قزوینی
۱۹ ۲-۳-۸- خطیب قزوینی
۱۹ ۲-۳-۹- سعدالدین تفتازانی
۱۹ ۲-۳-۱۰- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی
۱۹ ۲-۳-۱۱- احمد الهاشمی
۱۹ ۲-۳-۱۲- احمد مصطفی مراغی
۱۹ ۲-۳-۱۳- علی الجازم و مصطفی امین
۱۹ ۲-۴- معانی ثانوی جملات پرسشی در کتب بلاغی فارسی
۱۹ ۲-۴-۱- رادویانی

۲۰ ۲-۴-۲- رشیدالدین وطواط
۲۰ ۳-۴-۲- محمدهادی بن محمد صالح مازندرانی
۲۰ ۴-۴-۲- عبدالحسین ناشر
۲۰ ۵-۴-۲- همایی
۲۰ ۶-۴-۲- محمدخلیل رجایی
۲۰ ۷-۴-۲- نصرالله تقوی
۲۰ ۸-۴-۲- غلامحسین آهنی
۲۱ ۹-۴-۲- جلیل تجلیل
۲۱ ۱۰-۴-۲- غلامحسین رضائزاد
۲۱ ۱۱-۴-۲- علوی مقدم و اشرفزاده
۲۱ ۱۲-۴-۲- کزازی
۲۱ ۱۳-۴-۲- شمیسا
۲۱ ۱۴-۴-۲- کامل احمدنژاد
۲۲ ۵-۲- تاریخچه‌ی منظورشناسی
۲۲ ۶-۲- منظورشناسی
۲۴ ۷-۲- کنش‌های گفتاری
۲۵ ۸-۲- رابطه‌ی علم معانی با منظورشناسی
۲۷ ۹-۲- کارهای انجام شده در زمینه‌ی منظورشناسی در زبان فارسی
۳۰ فصل سوم: روش انجام پژوهش
۳۱ ۱-۳- روش انجام پژوهش
۳۲ ۲-۳- روش تجزیه و تحلیل
۳۲ ۳-۳- جامعه‌ی آماری و حجم نمونه
۳۲ ۴-۳- روش نمونه‌گیری
۳۲ ۵-۳- علت برگزیدن منبع موردنظر جهت پژوهش
۳۴ فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق
۳۵ ۱-۴- درآمدی بر فصل چهارم
۳۶ ۲-۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق
۳۶ ۱-۲-۴- تعجب
۴۰ ۲-۲-۴- نهی
۴۵ ۳-۲-۴- استفهام انکاری
۴۹ ۴-۲-۴- ملامت
۵۳ ۵-۲-۴- نفی

۵۶ ۶-۲-۴- استفهام تقریری
۶۰ ۷-۲-۴- اثبات عقیده‌ی خود و بطلان عقیده‌ی مخاطب
۶۲ ۸-۲-۴- گله و شکایت
۶۴ ۹-۲-۴- بیان عجز و درماندگی
۶۵ ۱۰-۲-۴- امر
۶۷ ۱۱-۲-۴- تمنی و آرزو
۶۸ ۱۲-۲-۴- خواهش (عرض)
۷۰ ۱۳-۲-۴- بیان منافات و استبعاد
۷۱ ۱۴-۲-۴- تحقیر
۷۲ ۱۵-۲-۴- تعظیم
۷۳ ۱۶-۲-۴- دریغ و افسوس
۷۴ ۱۷-۲-۴- استبطاء یا بی‌تابی
۷۵ ۱۸-۲-۴- بیان کثرت
۷۶ ۱۹-۲-۴- غم و اندوه
۷۶ ۲۰-۲-۴- تأکید و تقریر خبر و جلب توجه
۷۷ ۲۱-۲-۴- تشویق
۷۷ ۲۲-۲-۴- اظهار مخالفت
۷۸ ۲۳-۲-۴- تنبه و عبرت
۷۸ ۲۴-۲-۴- تجاهل
۷۹ ۲۵-۲-۴- شمول حکم
۷۹ ۲۶-۲-۴- تمسخر
۷۹ ۲۷-۲-۴- ندامت
۷۹ ۲۸-۲-۴- سؤال
۸۴ ۳-۴- تجزیه و تحلیل نقش‌های معنایی_ منظوری
۸۴ ۱-۳-۴- تعجب
۸۶ ۲-۳-۴- نهی و ملامت
۸۷ ۳-۳-۴- استفهام انکاری و نفی

۸۸ ۴-۳-۴ سؤال
۹۰ ۵-۳-۴ استفهام تقریری
۹۰ ۶-۳-۴ اثبات عقیده‌ی خود و بطلان عقیده‌ی مخاطب
۹۱ ۷-۳-۴ گله و شکایت
۹۲ ۸-۳-۴ بیان عجز و درماندگی
۹۲ ۹-۳-۴ تمنی و آرزو و خواهش (عرض)
۹۳ ۱۰-۳-۴ امر
۹۳ ۱۱-۳-۴ تحقیر
۹۳ ۱۲-۳-۴ بیان منافات و استبعاد
۹۳ ۱۳-۳-۴ تعظیم
۹۴ ۱۴-۳-۴ دریغ و افسوس
۹۴ ۱۵-۳-۴ استبطاء یا بی‌تابی
۹۴ ۱۶-۳-۴ کثرت
۹۴ ۱۷-۳-۴ غم و اندوه
۹۵ ۱۸-۳-۴ تأکید خبر
۹۵ ۱۹-۳-۴ تشویق
۹۵ ۲۰-۳-۴ اظهار مخالفت یا اعتراض
۹۵ ۲۱-۳-۴ تنبه و عبرت
۹۵ ۲۲-۳-۴ تجاهل
۹۶ ۲۳-۳-۴ شمول حکم
۹۶ ۲۴-۳-۴ تمسخر
۹۶ ۲۵-۳-۴ ندامت
۹۷ ۲۶-۳-۴ اخبار به روش غیر مستقیم، تقاضا و کسب اجازه و اظهار امیدواری
۹۷ ۲۷-۳-۴ اظهار یأس
۹۷ ۲۸-۳-۴ اغراق
۹۷ ۲۹-۳-۴ بیان تردید
۹۸ ۳۰-۳-۴ تهدید
۹۸ ۳۱-۳-۴ استیناس

صفحه	عنوان
۹۹ فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۰۰ ۱-۵- نتیجه گیری
۱۰۱ ۱-۱-۵- تعجب
۱۰۲ ۲-۱-۵- ملامت و نهی
۱۰۲ ۳-۱-۵- استفهام انکاری و تقریری
۱۰۲ ۴-۱-۵- نفی
۱۰۲ ۵-۱-۵- سؤال
۱۰۲ ۶-۱-۵- شکایت، عجز و درماندگی، تمنی و آرزو، خواهش، افسوس، اندوه و بی تابی
۱۰۲ ۷-۱-۵- اثبات عقیده‌ی خود و بطلان عقیده‌ی مخاطب
۱۰۲ ۸-۱-۵- امر
۱۰۳ ۹-۱-۵- تحقیر
۱۰۳ ۱۰-۱-۵- بیان منافات و استبعاد، کثرت، تأکید خبر، تشویق و شمول حکم
۱۰۳ ۱۱-۱-۵- تعظیم
۱۰۳ ۱۲-۱-۵- اظهار مخالفت، تنبه و عبرت
۱۰۳ ۱۳-۱-۵- تمسخر، تجاهل، ندامت
۱۰۴ ۲-۵- پیشنهادات
۱۰۷ جدول شماره‌ی یک
۱۱۰ جدول شماره‌ی دو و سه
۱۱۱ نمودار
۱۱۲ فهرست منابع

فصل اول کلیات

فصل اول (کلیات)

۱-۱- مقدمه

منظورشناسی، شاخه‌ای جدید از زبان‌شناسی است که مطابق با تعریف لیچ به بررسی معانی گفته‌ها در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد و از دهه‌ی ۷۰ میلادی، کم‌کم مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است (Leech, 1983:3). منظورشناسی شباهت زیادی با علم معانی دارد؛ علمی که در میان ایرانیان و دیگر مسلمانان، از پیشینه‌ی گسترده‌ای برخوردار است و به بررسی انواع جملات پرداخته و معانی ثانوی آنها را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد. افراد در برخی مواقع ترجیح می‌دهند منظور خود را به طور غیر مستقیم ابراز نمایند؛ زیرا احساس می‌کنند در آن موقعیت خاص سخن گفتن بدین شیوه تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب دارد. بدین منظور، چهار نوع جمله‌ی خبری، پرسشی، امری و عاطفی، قابلیت این را دارند که علاوه بر کارکرد اصلی‌شان که اطلاع‌رسانی، طلب آگاهی، فرمان دادن و بیان احساسات می‌باشد، برای بیان کارکردهای ثانوی دیگر، به اقتضای موقعیت به کار روند؛ برای نمونه، همان طور که کزازی می‌گوید پرسش بر دو گونه است زبانی و ادبی. پرسش زبانی موقعی است که خواست‌گوینده دانستن مطلبی باشد که از آن آگاهی ندارد. اما در پرسش هنری گوینده به دنبال پاسخ نیست (کزازی، ۱۳۷۰: ۲۰۶). مثلاً می‌توان درخواست خویش را به جای استفاده از جمله‌ی امری در قالب جمله‌ی پرسشی مطرح کرد که در این صورت مؤدبانه‌تر و مؤثرتر است.

در این پژوهش ما جملات پرسشی غزل‌های مولانا را از این دید برای یافتن کارکردهای ثانوی آن بررسی می‌کنیم. مولانا از جملات پرسشی در موقعیت‌های مختلف برای بیان اندیشه‌هایش به نحو احسن استفاده کرده است.

۱-۲- بیان مسأله

جملات در اکثر زبان‌های دنیا به چهار دسته‌ی خبری، پرسشی، امری و تعجبی تقسیم می‌شوند؛ البته این تقسیم بندی بر اساس مفهوم جملات است، زیرا از جهت ساختار، جمله اشکال متنوع دیگری نیز می‌پذیرد. این چهار نوع هرکدام به ترتیب برای بیان مقوله‌های معنایی - منظوری خبر، پرسش، دستور و

تعجب به کار می‌روند. این‌ها معانی اولیه و اصلی جملات در دستور زبان است؛ اما در بلاغت وضع به گونه‌ی دیگری است؛ رابطه‌ی میان مقوله‌های نحوی و معنایی - منظوری، همواره رابطه‌ای مستقیم نیست. جملات خبری، پرسشی، امری و تعجبی، در موقعیت‌ها و حالت‌های مختلف برای رساندن منظورهای بسیاری به کار می‌روند. به این دلیل بخشی از دشواری‌های مفاهیم ادبی در گرو عدم اطلاع از معانی ثانوی جملات است و درک این معانی می‌تواند به فهم بهتر بلاغت کلام کمک کند.

جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی، یکی از بزرگترین عارفان و شاعران ایرانی است و آثاری در زمینه‌ی نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته است، یکی از این آثار غزلیات شمس اوست. این غزلیات - در مقایسه با مثنوی - به علت حجم فراوان سروده‌های آن کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. این غزل‌ها، نماد شور و شیدایی و سرمستی مولاناست. «شعر در نظر او مایه‌ی انعکاس وجد و بیان آن حالت روحی است که غیر قابل تحمل است» (گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۵۲۸).

علی رغم رویکرد پژوهشگران به آثار مولوی در چند دهه‌ی اخیر، متأسفانه پژوهش در برخی زمینه‌ها از جمله توجه به نقش‌های معنایی - منظوری جملات، به‌ویژه جملات پرسشی مورد کم توجهی واقع شده است؛ در حالی که این جملات در غزلیات شمس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و گاهی تمام ابیات یک غزل و یا مصرع‌های یک بیت، در قالب جمله‌ی پرسشی می‌آید؛ بنابراین، پی بردن به معانی ثانوی جملات پرسشی این غزل‌ها می‌تواند ما را در فهم بهتر اندیشه‌های مولانا یاری رساند.

۱-۳- اغراض ثانوی جملات

در علم معانی، همان‌طور که از نام آن هم پیداست، معانی ثانوی یا به عبارتی دیگر، مقوله‌های معنایی - منظوری جملات خبری، پرسشی، امری و تعجبی بررسی می‌شوند و برای هر کدام چندین مورد از معانی ثانوی ذکر می‌گردد. رجایی در تعریف معنی دوم می‌نویسد: «کلامی که محل توجه اهل بلاغت باشد همواره دو معنی در بر دارد، یکی معنای لغوی و عرفی که کلام از حیث لفظ و ترکیب به حسب وضع به آن دلالت دارد. این معنی را معنی اصلی یا معنی اول کلام گویند، دیگر معنایی که متکلم در نظر گرفته و کلام را به خاطر افاده‌ی آن معنی بر لطائف و خصوصیات که مطابق با مقتضای حال باشد مشتمل می‌گرداند. این معنی را نظر به این که مدلول کلام در مرتبه‌ی ثانی است، معنی دوم گویند» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۱).

قدما در کتب سنتی مباحثی با عنوان افاده‌ی حکم و لازم حکم را در مورد جمله‌ی خبری مطرح کرده‌اند؛ افاده‌ی حکم، همان اطلاع‌رسانی و لازم حکم اعلام آگاهی‌گوینده از خبر است. شمیسا لازم حکم را درباره‌ی انواع جملات تسری داده و آن را همان معانی ثانوی می‌داند (شمیسا، ۱۳۷۵: ۴۰).

درک معانی ثانوی جملات می‌تواند به فهم بهتر بلاغت کلام کمک کند. نظریه‌ی کنش‌های گفتاری که در کتاب‌های منظورشناسی - شاخه‌ای جدید از علم زبان‌شناسی بررسی می‌شود، شبیه به مبحث معانی ثانوی است؛ اما به گستردگی آن نمی‌باشد. بر طبق این نظریه، هر جمله‌ای که ادا می‌شود سه نقش و کارکرد دارد:

۱- نقش بیانی ۲- نقش منظوری ۳- نقش تأثیری

(Peccie, 1999: 44)

کنش منظوری، یعنی بررسی منظور و نیت گوینده از جمله‌ای که بیان کرده است و این همان معنی ثانوی می‌باشد؛ البته زبان‌شناسان مانند علمای بلاغت به تحقیق درباره‌ی کارکردهای متعدد انواع جملات پرداخته‌اند.

۱-۴- اهداف و سؤالات تحقیق

۱-۴-۱- اهداف

۱-۴-۱-۱- اهداف نظری

مولانا پیش از سرودن غزل‌هایش اندیشه‌ای معین را در ذهن نداشته که بر مبنای آن شعر بسراید. او علاقه‌ی فراوانی به سماع داشت و تحت تأثیر هیجانات و حالاتی که در سماع و هنگام سکر و بی‌خویشی به او دست می‌داد شعر بر زبانش جاری می‌شد؛ بنابراین غزلیات مولانا به خوبی نمایان‌گر دنیای درونی اوست:

ای که میان جان من تلقین شعرم می‌کنی کردم زخم خامش کنم ترسم که فرمان بشکنم
(۱۳۷۵/۱۶)

ای با من و پنهان چو دل از دل سلامت می‌کنم تو کعبه‌ای هر جا روم قصد مقامت می‌کنم
(۱۳۷۷/۱)

خلیلی جهان‌تیغ در کتاب «سیب باغ جان» در باره‌ی زبان شاعران می‌گوید: «زبان هر شاعر بیانگر جهان تجربی اوست، جهانی که هستی تاریخمند انسانی را در خود دارد... زبان، به عنوان ابزاری که این جهان تجربی درونی شاعرانه را توصیف می‌کند، گاهی جملات و عباراتی می‌آفریند که هاله‌ای از چند معنا را به گرد خویش دارند و این امر نمود تجربه‌های عمیقی است که شاعر در لحظه‌های خاص آفرینش هنری به آن‌ها دست می‌یابد و در زبان او بازتاب پیدا می‌کند» (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۰: ۲۶۷). غزلیات مولانا نیز یک متن فعال هنری و دارای دلالت‌های ضمنی می‌باشد و معانی ضمنی را در معانی ثانوی جملات شعر او می‌توان دید (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۰: ۲۶۹). در این راستا، آشنایی با معانی ثانوی

جملات پرسشی یکی از ضروریات جهت دستیابی به هدف یاد شده است.

۱-۴-۱-۲- اهداف کاربردی

یکی از کاربردهای این پژوهش کمک به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی است تا بتوانند با اندیشه‌های مولانا بیشتر آشنا شوند و آن را بهتر درک کنند.

کاربرد دیگری که برای این تحقیق متصور است، کمک به فراگیرانی می‌باشد که زبان فارسی زبان دوم آن‌ها محسوب می‌گردد؛ زیرا برای یادگیری زبان دوم، تنها آموختن دستور زبان کافی نیست؛ بلکه باید کاربرد زبان را هم یاد گرفت. دستور زبان ساختارهای متعدد انواع جملات را نشان می‌دهد؛ اما با استفاده از آن‌ها نمی‌توان تمام منظوره‌های خویش را بیان کرد. علم معانی یا - به گفته‌ی خلیلی جهان‌تیغ (۱۳۸۰) - دستور کاربردی زبان، به ما می‌آموزد چگونه با تعداد محدود جملات بسیاری از منظوره‌های خود را در موقعیت‌های مختلف بیان کنیم. برای نمونه، زبان‌آموز باید بداند چگونه از زبان برای خواهش، کسب اجازه، یا عذرخواهی و مواردی از این دست استفاده کند.

۱-۴-۲- سؤالات تحقیق

- ۱- کارکردهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس کدامند؟
- ۲- بسامد هریک از مقوله‌های معنایی - منظوری خاص در مقایسه با دیگر موارد این چینی، بیان‌گر چه چیزی است؟
- ۳- شناخت کارکردهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس، چه کمکی به فهم بهتر این غزلیات خواهد کرد؟
- ۴- پیوند معنایی - منظوری جملات پرسشی با موضوع غزلیات چگونه است؟

۱-۵- ضرورت یا اهمیت پژوهش

بررسی کارکردهای معنایی - منظوری جملات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همواره صورت‌های زبانی در معنای اصلی و اولیه‌ی خود که در دستور زبان برای آن‌ها تعریف شده‌است به کار نمی‌روند. شعرا و نویسندگان برای تأثیرگذاری بیشتر کلام و متناسب بودن آن با اقتضای حال از جملات در معانی ثانوی استفاده می‌کنند. تعداد معانی ثانوی جملات پرسشی بیشتر از جملات دیگر است. تاکنون تحقیقاتی در زمینه‌ی منظورشناسی جملات پرسشی انجام شده‌است؛ اما اهمیت این پژوهش در این است که با توجه به عرفانی بودن غزلیات شمس برای اولین بار است که انجام می‌گیرد و می‌تواند الگوی

مناسبی جهت پژوهش در دیوان‌های سایر شعرا باشد و به فهم بهتر غزلیات نیز کمک می‌کند.

۱-۶- محدودیت تحقیق

منابع مورد نیاز برای نوشتن پیشینه‌ی تحقیق اکثراً به زبان عربی و انگلیسی بود و فرصت و امکان مطالعه‌ی کامل این آثار فراهم نیامد.

اختلاف نظر پژوهشگران در تعداد و تنوع کارکردها و معانی ثانوی جملات پرسشی محدودیت دیگری را فراهم آورد.

۱-۷- فصول تحقیق

فصل اول: کلیات

در این فصل مسائلی در زمینه‌ی این پژوهش مطرح می‌شود. در آغاز به بیان مسأله می‌پردازیم و موضوع تحقیق را روشن‌تر بیان می‌کنیم. سپس در مورد کارکردهای ثانوی جملات در علم معانی و منظورشناسی توضیح می‌دهیم. در قسمت‌های بعدی، اهداف و سؤالات تحقیق، ضرورت و محدودیت و فصول تحقیق ذکر می‌گردند.

فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق

در این فصل سیر بلاغت در زبان عربی و فارسی را از آغاز توضیح می‌دهیم. در بخش دیگری معانی ثانوی جملات پرسشی در کتب بلاغی فارسی و عربی ذکر شده و این موارد را در جدولی به تفکیک نام پژوهشگران نشان می‌دهیم. پس از بلاغت به تعریف منظورشناسی، کنش‌های گفتاری و شباهت میان علم معانی با منظورشناسی پرداخته ایم.

فصل سوم: روش تحقیق

در این فصل به روش تحقیق، روش کار، روش تجزیه و تحلیل، جامعه آماری و حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و دلیل انتخاب منبع موردنظر جهت غزلیات اشاره می‌کنیم.

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این فصل ابتدا گزارش از کار خود را با ذکر مثال‌هایی ارائه می‌دهیم؛ سپس به تحلیل آن می‌پردازیم. همچنین برای تبیین بهتر مطلب از نمودار و جدول نیز استفاده می‌شود.

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و ارائه‌ی چند پیشنهاد

در این فصل نتیجه‌ی کلی پایان‌نامه بازگو می‌شود و همچنین پیشنهادهایی نیز برای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه ارائه می‌گردد.